

مطالعه تطبیقی بر عملکرد فارغ التحصیلان دانشگاه آزاد و دانشگاه فرهنگیان

نیلوفر عوض زاده

دانشجو کاردانی رشته آموزش و پرورش ابتدایی

دانشکده مهارت و کار آفرینی سما بندرعباس

چکیده

هدف از پژوهش حاضر مطالعه تطبیقی بر عملکرد فارغ التحصیلان دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه آزاد میباشد آموزش و پرورش سرمایه نسل امروز و آینده است و آن را میتوان مادر سایر علوم و فعالیت ها دانست زیرا پیش رفت و ترقی در هر عرصه ای از حیات انسانی مستلزم پرورش و ظهور انسان های است که بتوانند دستاوردهای آن حوزه ی خاص از معرفت بشری را وسعت ببخشند. تعلیم و تربیت، پرورش چنین انسان های را برعهده دارند. هم چنین آموزش و پرورش به عنوان ابزاری قدرتمند توانایی های متعددی به نیرو های انسانی می بخشد و موجبات افزایش قدرت و بازدهی آنان را فراهم می آورد. معلمان زیادی در آموزش و پرورش در حال خدمت هستند اما در این عرصه با چالش ها و تفاوت هایی رو به روهستند از نظر شما چرا برخی افراد فکر می کنند معلمانی که از دانشگاه فرهنگیان فارغ التحصیل شدن تا معلمانی که از دانشگاه آزاد فارغ التحصیل شدند در عملکرد به هنگام تدریس و آموزش با یکدیگر متفاوت ؟ در حالی که این عزیزان با تلاش و امکانات به نسبت مساوی در حال تحصیل و دانش آموزی بودند و میزان موفقیت در تدریس بر پایه تجربه و مهارت، علاقه و عشق به تدریس می توان گذاشت البته که هر آموزش در هر مکان علمی دانشگاهی دارای مزیت ها و معایبی هستند.

کلمات کلیدی : مطالعه، فارغ التحصیلان، دانشگاه آزاد، دانشگاه فرهنگیان

مقدمه

اگر رسالت اصلی دانشگاه را تربیت و تامین نیروهای انسانی متخصص و مورد نیاز کشور بدانیم، ارزیابی عملکرد دستگاهی که این رسالت خطیر را به عهده دارد، از الزامات نظام دانشگاهی است که موظف است برون داد کیفیت دانشگاه را از جهت نوع آموزش، سطح آموزش، کار آمدی آموزش و نیز تربیت متخصصین و تناسب آن ها با نیاز کشور، همواره رسد و مورد بررسی قرار دهد. صرف تعیین توفیق یا عدم توفیق نظام دانشگاهی گرچه کاری مهم و مفید است، اما نمی تواند تمام رسالت دانشگاه باشد. تعیین مشکل، ایراد، نقص، کمبود، یا انحراف از مسیر و اهداف گرچه توقعی به جاز مراکز ارزیابی کیفیت تلقی می گردد، اما مهم تر از آن، برنامه ریزی و تدوین اصول کیفیت برای ارتقای سطح علمی را نیز باید از آن انتظار داشت.

از جمله تکالیف و الزامات مهم دیگر، قبول فرهنگ ارزیابی و ارتقای کیفیت در هر سازمان، دستگاه، نهاد و دانشگاه است. عموماً واحد یا مراکز در چرخه تولید مراکز صنعتی وجود دارد که می تواند بقا و حیات آن مرکز را تضمین کند. بی توجهی و نادیده گرفتن اصل کنترل و ارزیابی کیفیت، مرگ تدریجی و چه بسا زود هنگام یک دستگاه را در پی دارد. در نظام های آموزشی و پژوهشی از جمله دانشگاه یا مراکز تحقیقاتی و پژوهشی، معمولاً مراکز ارزیابی اندکی دیرتر از خط تولید صنعتی است چرا که فرایند آموزش و تربیت نیروها طولانی تر است. عاطفه، فرهنگ و پیشینه زندگی و تحصیل اند؛ اگر نگوییم این مولفه ها در افراد «به عدد انفاس خلاق» اند، حداقل می توان به تنوع و تکرار این مولفه ها در جوامع و افراد معتقد بود. (سید یوسف حجازی، ۱۳۹۵، ص ۵)